

This question paper contains 4 printed pages]

Roll No.

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

S. No. of Question Paper : 636

Unique Paper Code : 209475

D

Name of the Paper : Persian Poetry

Name of the Course : B.A. (Prog.) Persian (In Lieu of MIL)

Semester : IV

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Note : Unless otherwise required in a question, answers should be written either in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any two of the following passages into English or Urdu or Hindi : 20

(A)

نالہ های پنہان دلی را کہ نمی توان دلیل رد احسان آورد۔ آمدند و یک بہ یک اسباب اتاق را بردند تا نوبت بان صندلی رسید کہ از ہمہ کھنہ تر و خراب تر بود۔ گوی خوش ترین غزل را کہ از دیوانی بردارند یا از دفتر خاطراتی، شیرین ترین قصہ را بکشند صندلی را بدو دست نگاه داشتہ و در دل فریاد کردم کہ ای امان این صندلی، شاہ غزل دیوان عشق و دلکش ترین خاطرہ زندگی من است! این یکی را برای من بگذارید و باقی را ببرید، من بارہادر پای این صندلی، سر بدامان او گذاشتہ ام و ساعتہادر جمال او محو و فنا بودہ ام، من اورا می پرستیدم چرا کہ بہشت عشق را او اول بروی من باز کرد۔

P.T.O.

(B)

در آن زمانها بانک و حساب پس انداز و این چیزها وجود نداشت و هر که نقدینه ای داشت که نگهداری اش دشوار بود یا آن را در مجلی پنهان می کرد که گاه به صورت گنج باقی می ماند- یا به کسی که مورد اعتماد بود به امانت می سپردند و سند یا شاهد می گرفتند -

در نزدیک قهوه خانه ای که در آن غذای خوردند و آشنا شده بودند- پیرزنی خانه داشت که مردم محل او را به امانت داری و درستکاری می شناختند - پولشان را پیش او امانت گذاشته و شرط کردند که هر وقت خواستند پس بگیرند باید سه نفری باهم باشند و اگر همراه نباشند پول را به هیچ کدام نخواهد، صاحب قهوه خانه هم شاهد بود -

(C)

سالها پیش، در سرزمین ایران با مردم شجاع و پاکدامنش، پهلوانی زندگی می کرد که رستم نام داشت - در آن روزها، همه چیز به شکل عادی پیش می رفت که در سپیده دمی رستم از خواب برخاست و خود را غمگین یافت، آهنگ شکار کرد، تیر و کمان و گرز و کند را برداشت و بر رخس پیل پیکر نشست و در پی شکار روانه صحرا شد- کوه و دشت و رود را به آسانی و چون تند باد پشت سر گذاشت، تا به نزدیکی مرز توران رسید- او تصمیم داشت که از اسب پیاده شود، تا اندکی استراحت نماید که ناگاه گله های فراوان گورخر را دید که به او نزدیک می شدند-

2. Explain any two of the following :

20

(A)

جان از آرام رفت آرام جان من کجا
 هجرم نشان فتنه شد، فتنه نشان من کجا
 آمد بهار مشکدم سنبل دمید و لاله هم
 سبزه بصر از قدم سروروان من کجا
 در کار غم شد سوریم بی پرده شد مستوریم
 تلخست عیش از دوریم شکر فشان من کجا
 شخصم ضعیف و دیده تر ازین رسیمان وزان گهر
 اینک مهیا شد کمر لاغر میان من کجا

(B)

گر تو کلاه کج کنی هوش ز ما شود مگر
 خفته بناز نرگست و ربکشایش دی
 مست و خراب شوران پای فلکن بھر طرف
 چشم تو مست شد بکن مست ترش بخون من
 و رشکنی بھر قبا جامه قبا شود مگر
 شھر تمام کو بکو پر ز بلا شود مگر
 دیده که خاک شد بره درته پا شود مگر
 زان همه تیر بی خطا یک دو خطا شود مگر

(C)

یشنو ازنی چون حکایت می کند
 کز نیستان تا مرا بریده اند
 سینہ خواهم شرحه شرحه از فراق
 هر کسی کو دور مانه از اصل خویش
 از جدایی هاشکایت می کند
 از نفیرم مردوزن نالیده اند
 تا بگویم شرح درد اشتیاق
 باز جوید روزگار وصل خویش

3. Rewrite in simple Persian :

15

ملک دنیا بودش و هم ملک دین	بود شاهی در زمانی پیش ازین
با خواص خویش از بھر شکار	اتفاقا شاه روزی شد سوار
شد غلام آن کنیزک جان شاه	یک کنیزک دیدش بر شاهراه
داد مال و آن کنیزک را خرید	مرغ جانش در قفس چون می طپید

4. Write the story of "مرد بقال و طوطی":

10

5. Write a short note on any *one* of the following :

10

(۱) امیر خسرو

(۲) مولانا روم